

دوشعر از کرامت بلالی

موری کلمپها

دل آن خوابهای انگوری
تا حرفی ، نگاهی مثل کلی پرت می کرد زن ها
لباشان مژه خنده می گرفت
و کل که مثل سنگ چای خودش را خوب پلد است
حالا پماد که گره روسری دختر دو دل است یا نه
و دزدکی به شکم پی چپین خود ...
همه اش می گویند باید دعایی ، دواپی ، خاکی په
سرمان پدهیم که
حق پا تو بود نباید په این موری کلمپها رو
می دادم
حالا خواب و پیداری روی روحم پلن های پنا می
کنند ، پلن های ممت
این زن که از فصل انگور گرفته تا حالا
روحش را کم کرده
حالا هی قاطی خون شعر من می شود که
می گویم صادق هدایت مرده
من در په در دنبال کپسول کازی هستم که موری
کلمپها را
از خودم خفه کنم
زن زار زار زار زد توی سرش
از لپهای من موری کلمپها پی پر کل لپهای او
پریزد و ...
افسوس که پرونده این خواب و این شعر
توی کورستان هم مختومه نخواهد
شد.

آکوده

پنجره ساکت نمی شود
و ویرانی ما ذره ذره هیولا می شود کلمه ها را
می شکنم
مغر ندارم
په گفتش هایم می گویم
باید پروانه ی کسپ چنوپم را از فرمانداری
شهر درخواست کنم
من از دستان خودم می ترسم
و می دالم آپ شرب شهر په شعر من آوده خواهد
شد
پنجره را از خاطر اتم پاژ می کنم
چقدر فاعلم
چقدر کلمه از من سر می ژند
چقدر فعل
می خواهم شعر پلندی در رثای پنجره تولید
کنم
په گفتش هایم می گویم
معلوم است که شما پیر شده اید
و په دستانم می خندم
یک سطل آب روی سطره خالی می کنم
پنجره په هوش می آید
کلید می اندازم صبح په خیر

صفت آهو

محمد علی بهمنی

شرمندم ام که همت آهو
شعرم صراحتی ست دل آزار
راستش
شصت و سه سال راه به این
راهی په این زمانه نعتو تراشتم
سو تراشتم
اقرار می کنم که من - این
های و هوی کنگ
ها تراشتم همیشه ولی هو
تراشتم
بسی می معطر از نفسی ، گاه
تراشتم
رومی به هیچ رایحه فوشبو
تراشتم
فانوس بفت گمشدگان
تراشتم
همیشه ام
عتی برای دیدن فود سو
تراشتم
وایا به من که با همه
دیگر سوال دیگری از او
تراشتم
فانوازه نیز دعاگو تراشتم

سرشار از آینه

آسمانی سبز در جان شماست
آیه های نور ، مهمان شماست
روشنی از چشمتان سر می زند
صبح روشن ، روی تابان
شماست
با صفا تو از زلال چشمه ها
چشمه چشمان رخشان شماست
ترجمانی از حضور باورید
عطر باور در گلستان شماست
از نسیم صبح حتی پاک تر
طرح لبخند شکوفان شماست
آفتاب این باشکوه بی نظیر
شعله فانوس ایوان شماست
عشق با آن جلوه و افسون و ناز
ناز پرورد دبستان شماست
با خدا پیمان یاری بسته اید
بس مبارک عهد و پیمان
شماست
ای تمام لحظه ها تان سبز سبز
لطف حق هر دم نگهبان
شماست

نسترن قدرتی

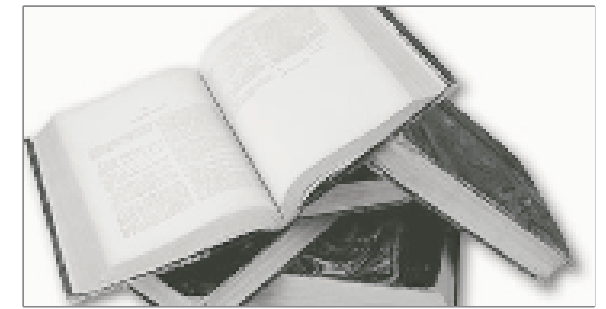
اخبار فرهنگی و هنری

به مناسبت شهادت حضرت
فاطمه (س) مراسم پر فیض
زیارت عاشورا در نماز خانه اداره
کل فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار
شد.
نتایج آزمون ارزشیابی دانش
تبیلیغات متقاضیان کانون های
تبلیغاتی که در ۲۴ خرداد ۸۶
در سالن رودکی اداره کل فرهنگ و
ارشاداسلامی برگزار شد بزودی اعلام
خواهد شد.
گروه‌های نمایش برای حضور در
جشنواره منطقه ای تئاتر و نمایشهای
آئینی - سنتی خلیج فارس که
تیرماه امسال در بندرعباس برگزار
می شود تمرین های خود را شروع
کرده اند.
۴ مورد کانون تبلیغاتی
غیر مجاز توسط کارشناس تبلیغات
اداره کل وانچمن صنعتی
شناسایی وجهد پلمپ وبه اداره
نظارت بر اماکن عمومی معرفی
شده.
جلسه شورای موسیقی استان در تیرماه
برگزار می شود.
تشکیل کمیسیون نظارت بر
فروشگاهها در دفتر معاونت

فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی
با حضور "کیانی" رئیس
اتحادیه وسرهنگ "جلالی مدیریت نظارت
بر اماکن عمومی برگزار
شد.
در ۳۰ خرداد نشست بررسی
مشکلات آموزشگاه های آزاد
گرم سینمایی" با حضور سازمان
فتی و حرفه ای و معاونت نظارت بر اماکن
عمومی نیروی انتظامی در
دفتر معاونت فرهنگی اداره کل
فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار
می شود.
طرح اوقات فراغت اداره کل
فرهنگ و ارشاد اسلامی در رشته های
قران ، نهج البلاغه ، طراحی و
نقاشی ، خوشنویسی ، عکاسی و
فیلمبرداری ، قصه نویسی ،
موسیقی و روزنامه نگاری از
علاقه‌مندان ثبت نام بعمل
می آورد.
جوانان و نوجوانان عزیز در
بندرعباس به فرهنگسرای طوبی
و کانون های فرهنگی -هنری
مساجد و در شهرستان ها به
ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی
شهرستان ها و پایگاه های

معرفی شده مراجعه می کنند.
در ۲۹ خرداد نشست هم
اندیشی نشریات محلی ، مدیر کل
و معاون فرهنگي اداره کل
فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار
می شود.
دبیرخانه هفتمین کنگره سراسری
شعر و قصه جوان کشور اعلام
کرد:
آخرین مهلت ارسال آثار ۱۵
تیرماه خواهد بود . اداره کل
فرهنگ و ارشاد "۱۵-۱۳" آژماه
۸۶ برای هفتمین بار میزبان
شعر و قصه جوان کشور خواهد
بود.
برنامه های آموزش تبلیغات اداره
کل فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام
شد.
کلاسهای آموزش (مدیریت
بازاریابی ، گرافیک تبلیغاتی و
آموزش پست های تخصصی
کانون تبلیغاتی) با
حضوراستاد محراب در پاییز
سال جاری برگزار
می شود.

حکایتی از جوامع الروایات



آورده اند که کافری را برگرفتند
و به نزد " هارون الرشید" آوردند .
" هارون " به او گفت : ای دشمن
خدای، تو کافری .
گفت : نه !
می زرم ، تا اقرار کنی .
گفت : " هارون " چون چنین کنی ، خلاف
ای " هارون " چون چنین خدا (ص) عمل کرده ای
گفت : چگونه ؟
گفت : او شمشیر می زند که به مسلمانی
اقرار کنیدی و تو می گویی تو را چوب
می زرم تا به کافری اقرار کنی !
" هارون الرشید " از این سخن حیرت کرد
و او را راه نمود .
آورده اند که وقتی مردی نزد

سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی میناب معرفی شد

به گزارش روابط عمومی اداره کل
فرهنگ و ارشاد اسلامی ، "عقیل
خاکسار" از سوی "امیر زاده" مدیر کل
به عنوان سرپرست اداره میناب معرفی
و معاونت اداره آن شهرستان را دارد .

سخنانی از بزرگان

به راز سعادت در این است که کاری که به تو
وگذار شده ، دوست بداری
سعادت آن است که انسان دنیا را همانطور
که آرزوی کند ببیند .
سعادت مند کسی است که از هر خطایی که
از او سر می زند تجربه ای جدید بدست



آموختن هنر

به هنگام پیری

و حشتناکی بر لورل گذاشت ، به طوری که او
دیگر نتوانست تا آخر عمر خود را دوباره پیدا
کند .
در سال ۱۹۶۱ " لورل " برای بازی
در فیلم های موفق کمدی ، توانست
«افسانه لورل و هاردی» که بر اساس
داستان های کودکان بود ، بازی کند ،
اما اولیور به علت سکنه قلبی در روز
۱۵ سپتامبر ۱۹۵۶ فلج شد و برای
چند ماه در خانه بستری شد و قادر
به صحبت یا تکان خوردن نیز نبود
و سرانجام در هفتم اوت ۱۹۵۷
درگذشت .
" لورل " به علت بیماری ، نتوانست در مراسم
تدفین همبازی و دوست نزدیکش شرکت کند .
بعد از آن تصمیم گرفت که فرزند بزرگ لورل گفت:
کمدی اش در فیلمی بازی نکند ، دوستان
نزدیک لورل می گفتند ، مرگ اولیور تاثیر

" استن لورل " ۱۰۷ ساله شد

لورل در چند فیلم از جمله «سوپ اردک» با اولیور هاردی همبازی شد و استقبال بی نظیر مردم از آثار کمدی آنها ، موجب شد تا این زوج سینمایی ، رسماً آغازگر مجموعه فیلم های " لورل و هاردی " شوند .



و بسیاری فیلم های دیگر نتیجه همکاری این
دو کمدین بزرگ بود .
تا جاییکه فیلم «جعبه موسیقی» آنها در
سال ۱۹۲۲ موفق به دریافت

می شد .
او برای اولین بار در سال ۱۹۲۸ در یک
فیلم کوتاه صامت به نام «سگ خوشبخت» با
«اولیور هاردی» همبازی شد . او نام
سینمایی « لورل» را برای
خود انتخاب کرد و ایفای نقش این
دو کمدین بزرگ در کنار یکدیگر با
پرداخت دستمزد ۷۵ دلار در هفته رسماً آغاز
شد .
او در سال ۱۹۲۴ با تئاتر خداحافظی کرد
و رسماً به سینما و فیلم رو آورد . لورل در
چند فیلم از جمله «سوپ اردک» با اولیور
هاردی همبازی شد و استقبال بی نظیر
مردم از آثار کمدی آنها ،
موجب شد تا این زوج سینمایی رسماً آغازگر
مجموعه فیلم های " لورل و هاردی "
شوند .
فیلم های کوتاهی مانند «نبرد قرن» ، «مردان
مतालهم باید به خانه بروند» ، «جارت بزرگ»

"شریعتی" تجسم درد انسان معاصر

خشمگین را بدل به الگوی مبارزان
نمود و به تبیین امت و امامت
پرداخت .
و همه اینها طی این سی سال گذشته
موجب قضاوت‌های گوناگون درباره او
شده است . شریعتی که روزگاری معلم
انقلاب خوانده می شد ، چندی دیگر
منشأ انحراف و التقاط دانسته شد و
خروج از اسلام سنتی . زمانی دیگر
متهم به ایدئولوژیک کردن سنت شد و
در وقتی دیگر به اتهام ضدیت آراء او
با مومکراسی مورد پیرش قرار گرفت
و ...
البته قصد این یادداشت نه آن است
که اتهامی به او افزوده شود و یا به

بود که تلاش خود را آن گونه که
می دانست ، مصروف ترویج آگاهی و
کار فکری و فرهنگی نمود .
دکتر شریعتی به عنوان جامعه
شناسی که نماد وجدان دردمند جامعه
محسوب می شد ، به خوبی درک کرده
بود که باید فرزند زمانه خویش باشد
و اگر خواهد بیگانه با سپهر گفتگمانی
و مطالبات ضروری و اقتضانات و
سطح امکانات روزگار خویش سخن
بگوید ، مخاطبی آشنا پیدا نخواهد کرد .
او که آمیزهای بود از آیین و جامعه
شناسی و تاریخ ، وقوف بر نفوذ مذهب
بر عمق روان انسان ایرانی داشت و
همچنین از تاثیرات چندگانه و کارکرد
باورهای دینی بر لایه های مختلف
اجتماعی آگاه بود ، بنابراین در قلموس
او علی (ع) ، فاطمه (س) و فرزندانش
مبنای چگونه زیستن در چارچوبی
ایدئولوژیک شدند و در برابر نمادهای
معاصر انقلابیگری ، او «ابودر» را از
ورای تاریخ و مکانی بسیار دور به آن
روزها آورد و آن روح عاصی و

۳۰ سال از خرداد ۵۶ و از هجرت و
مرگ دکتری می گذرد . همان کسی که
تنها عنوان «دکتر» نشان یگانه نام
مألف و آشنای او برای سه نسل بوده
است . شخصیتی که به تعبیر آن شهید
بزرگوار یکی از اضلاع انقلابی به شمار
می آید که تنها سالی پس از مرگ او
به نمرنشست .
علی شریعتی که به حکم مردم و به
استناد شعارهای آن روزهای
پرخروش معلم انقلاب نام گرفت ، در
تمام این سالها چنان نقش و تاثیر
پررنگی داشته که همواره موضوع
مناقشه جریانهای فکری و سیاسی
بوده است . دقیقاً مثل تمام روزهای
پس از سال ۱۳۴۷ و آغاز جلسات
سخنرانیاش در حسینیه ارشاد تا
لحظه رفتنش .
دکتر در حالی از «سورین» بازگشت
که به زعم او یکی از عمده ترین
مشکلات مردم این کشور در تقابل با
استبداد و استعمار ، فقدان خودآگاهی
فردی و اجتماعی بود و از همین رو



تضمین سلامتی و رشد کامل برای کودکان با مصرف آبریان

بهبتر میسر است ...

روابط عمومی اداره کل شیلات هرمزگان

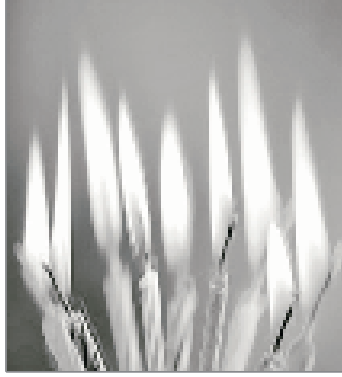
بهدتر میسر است ...

تضمین سلامتی و رشد کامل برای کودکان با مصرف آبریان

بهبتر میسر است ...

حرفهای دلننگی

چکتهای خاطره



از کوچه های حادثه به آرامی می گذرم ، با
دستهای چشمانم را محو می کنم تا ببینم آن
کوچه بن بست تنهایی عشق را ...
دل عجب هوای دیدنت را کرده است ، دستام
را کمی کنار می زرم و از لا به لای انگشتان
لرزانم نیم نگاهی به گذشته ناتمام می اندازم
، چیز زیادی نیست و از من نیز چیزی نمانده
است جز آینه زلالی که از آن گله دارم که چرا
حقیقت زندگی را از من پنهان کرد ! ... و تو
ای سنگ صور لحنه لحظه های عمر کوتاه من
، چقدر بی کس و تنها ماندی ! جواب صفحه
های سفیدت را چه دم که من تیزی وفاپی را
از زمانه آموختم .

می دانم دلت آنقدر بزرگ و دریایی است که
مرهم زخم های بی کس ام باقی بمانی و یک
امشب دیگر را با من تا سحرگاهان همنا شوی

به سراغت نیامدم چون روح باران زده شیدای
روزهای آشنایی گرفتار تگرگی بی پایان شد
و اینگونه سیلاب عشق در مسیر طغیان آمال
و آرزوهایم تبدیل به سرابی شد .
نبودی تا ببینی که چگونه غزل در تاب یاسمن
تب کرد و کل صبح نالید ، نبودی تا ببینی که
آسمان چه بی قرار و معصومانه اشک می ریخت
چون غزل اینگونه مجبور ناشی دستهای سفیدت
را به زیر چکه های دلننگی ام بگیردی و له شوی
و گیسوانم را بر تن لطیفست احساس
کنی .

حالا از آن خود گفتمی که دنیا فدای تو و چشمانت ، تو
خود گفتمی ابی آرامش فدای نگاهت ، تو
خود گفتمی سرخی آتشین شقایق ها فدای قلب
کوچکت ...

چون غزل اینگونه مجبور ناشی دستهای سفیدت
را به زیر چکه های دلننگی ام بگیردی و له شوی
و گیسوانم را بر تن لطیفست احساس
کنی .
لحظه ، لحظه ای است جادویی ! ... در کنج
خلوت این اتاق دستهای دختری ، آرام
صندوقچه ای از مهر می کند و زمزمه ای در زیر
لب دارد . نوایش ضعیف نیست اما هیچ کس
نمی تواند بفهمد او چه می گفت و دیگر نمی
گوید ...

راضیه نیرومند

راضیه نیرومند

یک دقیقه

برای خودم



کتاب "یک دقیقه برای خودم" اثر جانسون
اسپینسر بسیار پرفروش است و بارها تجدید
چاپ شده و تیراژ آن به بیش از پنج میلیون
نسخه رسیده است . از مطالب جالب این
کتاب ، سخنان کوتاه ، در قالب بند و اندرز ،
درباره حالات افراد اجتماع است :
- اگر نرومندی همی ، نیست ، بسیاری از مردم
نرومندی هستند .
- اگر سالم نیستی ، هستند افرادی که با معلولیت و
بیماری زندگی می کنند .
- اگر زیبا نیستی ، برخورد درست با زشتی هم وجود
دارد .
- اگر جوان نیستی ، همه با چهره پیری مواجه
می شوند .
- اگر تحصیلات عالی نداری ، با کمکی سواد هم
می توان زندگی کرد .
- اگر قدرت سیاسی و مقام نداری ، مشاغل مهم متعلق
به معدودی است .
- اما اگر عزت نفس نداری برو بعیر که هیچ
نداری .



تضمین سلامتی و رشد کامل برای کودکان با مصرف آبریان
بهبتر میسر است ...

